

چکیده

جنگ داخلی سوریه به انواعی از روابط نیابتی شکل داد که دربرگیرنده مجموعه‌ای از اهداف و مأموریت‌های همپوشان و در عین حال، متعارض مخالفان و هم‌پیمانان بود. بنابراین، روابط نیابتی در جنگ داخلی سوریه به یک مسئله پرچالش با ابعاد مختلف تبدیل شد که شناخت الگوهای برآمده از آن، مهم به نظر می‌رسد. براین اساس، مقاله پیش‌رو تلاش دارد به این سؤالات پاسخ دهد که روند شکل‌گیری و توسعه روابط نیابتی در جنگ داخلی سوریه، از چه الگوهایی پیروی کرده و چه تأثیری در تحقق یا عدم تحقق اهداف طرفین مناقشه داشته است.

این مقاله بر این فرضیه استوار است که الگوی روابط نیابتی نظام سوریه و حامیان آن، به‌دلیل برخورداری از شاخص حمایت ثانویه (اعزام نیروی نظامی مستقیم و پشتیبانی هوایی)، متفاوت از الگوی روابط نیابتی شورشیان سوریه و حامیان آنها بوده و شرایط عدم تحقق اهداف آنان را فراهم کرده است.

در مقاله پیش‌رو تلاش شده است تا با استفاده از روش تجزیه و تحلیل روند تاریخی، الگوهای حاکم بر روابط نیابتی در جنگ داخلی سوریه یا الگوهای برآمده از آن استخراج شوند. هدف از این پژوهش، سنجش کارایی سیاست‌گذاری‌ها و نمایان ساختن مشکلات در حال ایجاد، پیرامون موضوع پژوهش است.

واژگان کلیدی

روابط نیابتی، حامی، نایب، پارتیزان، جنگ داخلی سوریه

مقدمه

با آغاز خیزش عربی در سال ۲۰۱۱، دامنه اعتراضات به کشور سوریه نیز کشیده و به سرعت به یک جریان با مطالبه تغییر رژیم در این کشور، تبدیل شد. فرایند اعتراضات، به دلیل افزایش خشونت و اصطکاک به آغاز مبارزه مسلحانه توسط گروه‌های شورشی ختم شد. در این زمینه، گروه‌های شبه نظامی فروملی شکل گرفتند که به دلیل همپوشانی منافعشان با برخی دولت‌های خواستار تغییر رژیم در سوریه، از حمایت سیاسی - نظامی آنان برخوردار شدند.

در مقابل، نظام سوریه نیز از حمایت ایران و روسیه و برخی گروه‌های غیردولتی غیرسوری برخوردار شد که خواستار حفظ رژیم در سوریه بودند. نتیجه این روند، شکل‌گیری یک جنگ داخلی با اتکا بر روابط نیابتی بود. ده سال جنگ داخلی در سوریه، به خارج شدن بخش‌های زیادی از کشور از کنترل حکومت منجر شد.

جنگ داخلی سوریه فروپاشی سازمان ارتش، تخریب گسترده زیرساخت‌ها و جابه‌جایی بخش‌های زیادی از جمعیت در داخل و خارج از کشور را به دنبال داشت، اما به تغییر رژیم در سوریه منجر نشد. این روند به معنی عدم تحقق هدف گروه‌های شورشی سوریه و حامیان آنها بود. بدین ترتیب، روابط نیابتی در جنگ داخلی سوریه به یک مسئله پر چالش با ابعاد مختلف تبدیل شد که شناخت الگوهای برآمده از آن، مهم به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، شناخت ابعاد هر یک از این الگوها و دستیابی به تأثیر آنها بر روند جنگ و دستاوردهای طرفین از اهمیت برخوردارند. بر این اساس، مقاله پیش‌رو تلاش دارد به این سؤالات پاسخ دهد: روند شکل‌گیری و توسعه روابط نیابتی در جنگ داخلی سوریه از چه الگوهایی پیروی کرده و چه تأثیری در تحقق یا عدم تحقق اهداف طرفین مناقشه داشته است؟

این مقاله بر این فرضیه استوار است که الگوی روابط نیابتی نظام سوریه و حامیان آن، به دلیل برخورداری از شاخص حمایت ثانویه (اعزام نیروی نظامی مستقیم و پشتیبانی هوایی)، متفاوت از الگوی روابط نیابتی شورشیان سوریه و حامیان آنها بوده و شرایط عدم تحقق اهداف آنان را فراهم کرده است.

در این مقاله، تلاش شده است تا با استفاده از روش تجزیه و تحلیل روند تاریخی،^۱ الگوهای برآمده از روابط نیابتی در جنگ داخلی سوریه استخراج شوند. در این فرایند از معیارهای برنامه «اوپسالا» برای تحلیل روند استفاده خواهد شد. در این تقسیم‌بندی کنش بازیگران دولتی و غیردولتی - که به واسطه به کارگیری اشکال حمایت مورد اشاره در برنامه اوپسالا، در جنگ داخلی سوریه مداخله کرده باشند -

مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. هدف از این پژوهش، سنجش کارایی سیاست‌گذاری‌ها و نمایان ساختن مشکلات در حال ایجاد، پیرامون موضوع پژوهش است.

پیشینه پژوهش

جنگ داخلی سوریه پدیده‌ای است که درباره ابعاد آن، آثار علمی پرشماری، اعم از کتاب و مقاله به زبان‌های مختلف به نگارش درآمده است. بررسی شاخص‌های مناقشه نیابتی نیز بخشی از این فرایند بوده است. این آثار به دو بخش منابع اصلی و فرعی قابل تقسیم هستند. بخش اصلی آثاری هستند که به‌طور مستقیم به بررسی مسئله جنگ نیابتی در سوریه پرداخته‌اند و بخش فرعی شامل آثاری می‌شود که غیرمستقیم به این پدیده اشاره داشته‌اند.

آثار دسته‌بندی‌شده در منابع فرعی بسیار پرشمار هستند و به‌طور عمومی با مفروض قرار دادن نیابتی بودن مناقشه در سوریه، به سایر ابعاد جنگ داخلی در این کشور پرداخته‌اند. بنابراین، بخش مورد توجه در این تحقیق، منابع اصلی علمی است که به‌طور مستقیم، ابعاد مختلف مسئله جنگ نیابتی در سوریه را بررسی کرده‌اند. بر این اساس، کتاب‌شناسی^۱ آثار علمی نگارش‌شده درباره مسئله جنگ نیابتی در سوریه، به‌واسطه جست‌وجو در پایگاه اطلاعات کتاب‌شناختی گوگل^۲ و پرتال جامع علوم انسانی و پایگاه ایران داک مورد ارزیابی قرار گرفتند.

حاصل این جست‌وجو، یک کتاب و ۸ مقاله علمی به زبان انگلیسی، یک پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد و سه مقاله علمی به زبان فارسی بودند. در رسته منابع اصلی علمی بود که به‌طور مستقیم ابعاد مختلف مسئله جنگ نیابتی در سوریه را بررسی کرده بود. محتوای این آثار، جنگ نیابتی در سوریه را با سه رویکرد «کشمکش هویتی، کشمکش قدرت و آثار و پیامدهای جنگ نیابتی» مورد ارزیابی قرار داده بودند.

در میان آثار علمی موجود، شش اثر نقش کشمکش قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای در قطب‌بندی روابط نیابتی در جنگ داخلی سوریه را مورد ارزیابی قرار داده بودند. پنج اثر علمی پیامدهای داخلی و منطقه‌ای این جنگ و یک اثر نیز دلایل هویتی و مذهبی شکل‌گیری روابط نیابتی در جنگ داخلی سوریه را ارزیابی کرده بودند.

با وجود بزرگی دامنه جنگ داخلی در سوریه و ادامه و تغییر ویژگی‌های آن طی ده سال، آثار علمی تولیدشده درباره روابط نیابتی در این جنگ، متناسب با اندازه آن نبوده است. از سوی دیگر، بررسی محتوای آثار محدود تولیدشده درباره روابط نیابتی در جنگ داخلی سوریه نشان می‌دهد که

1. Bibliography
2. Google Scholar

تمام آنها با مفروض قرار دادن وقوع یک جنگ نیابتی در سوریه، از این پدیده به عنوان یک مقوله کلی یاد کرده و اجزا و ویژگی‌های الگویی برآمده از آن را مورد ارزیابی قرار نداده‌اند.

از سوی دیگر، تمام آثار یادشده، حداکثر یک یا دو رابطه نیابتی در جنگ سوریه را براساس سه بعد هویتی، کشمکش قدرت و آثار جنگ نیابتی مورد ارزیابی قرار داده‌اند. این درحالی است که ماتریس درگیری‌های نیابتی در جنگ سوریه، نیازمند ارزیابی و مقایسه چندجانبه است. اتکا به ادبیات نظری سنتی درباره جنگ نیابتی و عدم انطباق شواهد عینی با یافته‌های نظری جدید درباره روابط نیابتی، یکی دیگر از خلأهای محسوس در آثار تولیدشده درباره جنگ نیابتی در سوریه است. یکی از تبعات محسوس این خلأ، اشتباه در سطح مداخله حامیان بوده است. برای مثال، «حنفی یازسی»، «اوگوز»، «ارتاک»، «یکسی» و «صحراپیما» در آثار خود چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که آمریکا به عنوان یک ابرقدرت دارای بالاترین سطح مداخله در جنگ داخلی سوریه بوده است.

عدم سنجش براساس معیارهای استاندارد تولیدشده در ادبیات جدید روابط نیابتی، به اشتباه دیگری درباره تشخیص روابط نیابتی از گروه‌های تروریستی دامن زده است. برای مثال، در آثار «فیلیس»، «والبجورن»، «اوگوز» و «ارتاک» داعش هم‌پیمان یکی از زوج‌های حامی، نظیر عربستان یا آمریکا معرفی شده است. همچنین هم‌پیمانی عربستان سعودی و گروه‌های رادیکال سنی به عنوان زوج‌های نیابتی، به مثابه یک مفروض پذیرفته شده است. این درحالی است که شواهد عینی معطوف به اثبات این دعاوی، محل مناقشه هستند.

بنابراین، اثبات برخی دعاوی مطرح‌شده در آثار علمی موجود درباره جنگ نیابتی در سوریه، نیازمند بررسی دقیق شواهد عینی و سنجش آنها براساس معیارهای استاندارد است که از الگوهای دارای شمولیت فراگیر درباره روابط نیابتی، استخراج شده باشند. همچنین ایجاد دیگری، نظیر: سطح مداخله، پشتیبانی، تشخیص حامیان و نواب، دگرگونی روابط و به‌طورکلی ویژگی‌های برآمده از روابط نیابتی در جنگ داخلی سوریه، همچنان نیازمند پژوهش و تولید آثار علمی دقیق هستند.



جدول ۱. بررسی نقش هویت در قطب‌بندی روابط نیابتی در جنگ سوریه

نویسندگان	سال انتشار	نام مقاله	محل انتشار
کریستوفر فیلیپس ^۱ و مورتن والجبورن ^۲	۲۰۱۸	نقش هویت‌های متفاوت در جنگ نیابتی چندگانه سوریه ^۳	شماره (۲۹) مجله جنگ‌های کوچک و شورش‌ها ^۴

جدول ۲. بررسی نقش کشمکش قدرت در قطب‌بندی روابط نیابتی در جنگ سوریه

نویسندگان	سال انتشار	نام مقاله	محل انتشار
علیرضا علیپور	۱۳۹۷	جنگ نیابتی ایران و عربستان سعودی در منطقه غرب آسیا: مطالعه موردی بحران سوریه	شماره (۲) فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام
مصطفی صحراپیما	۱۳۹۷	بررسی جایگاه جنگ نیابتی در قدرت هوشمند ایالات متحده آمریکا؛ بررسی موردی سوریه، ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶	پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه بین‌المللی امام خمینی
راندا سلیم ^۵	۲۰۱۴	حزب‌الله و سوریه از هم‌پیمان نیابتی رژیم تا حافظ رژیم	شماره (۲) مجله بینش ترکی ^۶
انجین یوکسل ^۷	۲۰۱۷	رویکرد ترکیه در جنگ نیابتی در خاور میانه و شمال آفریقا ^۸	شماره (۳۱) مجله دفاعی امنیتی ^۹
محرم یکسی ^{۱۰}	۲۰۱۷	بحران سوریه به مثابه یک جنگ نیابتی و بازگشت سیاست‌های واقع‌گرایانه قدرت بزرگ ^{۱۱}	شماره (۲) مجله جنگ‌های ترکیبی ^{۱۲}
سفک اوگوز ^{۱۳} و غدير ارتاک ^{۱۴}	۲۰۱۸	آیا مناقشه در سوریه یک جنگ نیابتی بوده است؟ ^{۱۵}	شماره (۲) مجله بین‌المللی بحران و مطالعات سیاسی ^{۱۶}

1. Christopher Phillips
2. Morten Valbjørn
3. What is in a Name?: The Role of (Different) Identities in the Multiple Proxy Wars in Syria
4. Small Wars & Insurgencies
5. Randa Slim
6. Insight Turkey
7. Engin Yüksel
8. Turkey's approach to proxy war in the Middle East and North Africa
9. Security defense quarterly
10. Muharrem Eksi
11. The Syrian Crisis As a Proxy War and The Return of The Realist Great Power Politics
12. Hybrid Warfare quarterly
13. Şafak Oguz, Kadir Ertaç Çelik
14. Kadir Ertaç
15. Conflict in Syria: Is It Proxy Warfare?
16. Uluslararası Kriz ve Siyaset Araştırmaları Dergisi

جدول ۳. بررسی آثار جنگ نیابتی در جنگ سوریه

نویسندگان	سال انتشار	نام مقاله	محل انتشار
امیرحامد آزاد و طاهره ابراهیمی فر	۱۳۹۷	آینده‌پژوهی درباره دست آوردهای روابط نیابتی حزب اتحاد دموکراتیک در سوریه	شماره (۲) فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی
_____	۱۳۹۷	شبه نظامیان شمال سوریه و آینده نظام سیاسی دمشق	شماره (۱) فصلنامه سیاست جهانی
بیت اولمر ^۱	۲۰۱۳	انقلاب‌های عربی: جنگ‌های نیابتی ژئوپلیتیکی و صور فلکی شرق و غرب در سوریه ^۲	مؤسسه جغرافیا در دانشگاه توبینگن ^۳
جرانت آلون هوگس ^۴	۲۰۱۴	سوریه و خطرات جنگ نیابتی ^۵	شماره (۳) مجله جنگ‌های کوچک و شورش‌ها
حنفی یازسی ^۶	۲۰۱۸	جنگ‌های نیابتی در سوریه و توازن قدرت جدید در خاورمیانه ^۷	شماره (۳) مجله تحقیقات اقتصادی و مدیریت ^۸
لیندا ماطر ^۹ و علی قدری ^{۱۰}	۲۰۱۹	سوریه از استقلال ملی به سوی جنگ نیابتی ^{۱۱}	کتاب

مبانی نظری روابط نیابتی و پارتیزان

جنگ نیابتی یک موضوع پرتکرار در ادبیات نظری حوزه‌های سیاست بین‌الملل و راهبردی است که از دوره جنگ سرد به بعد، درباره مصادیقی پرشمار بازتولید و روزآمد شده است. حضور و کمک بازیگران دولتی به این نوع جنگ - حتی اگر آن را با استفاده از نیروهای منظم خود در مرزهای درگیر اداره نکنند - دربرگیرنده مفاهیمی همچون دولت، جنگ و دولت در جنگ است. همانند تمام حوزه‌های نظری، درباره جنگ نیابتی نیز تعاریف پرشماری ارائه شده است. در این میان، به نظر می‌رسد «دیلان کریگ»^{۱۲} با استناد به نتیجه روندپژوهی از جنگ‌های نیابتی در آفریقا طی

1. Beate Ulmer
2. Arabellion: Geopolitical Proxy Wars and New Constellations of East and West in Syria
3. Tübingen university
4. Geraint Alun Hughesa
5. Syria and the perils of proxy warfare
6. Hanefi Yazici
7. Proxy Wars in Syria and a New Balance Of Power in The Middle East
8. Journal of Management and Economics Research
9. Linda Matar
10. Ali Kadri
11. Syria: From National Independence to Proxy War
12. Dylan Craig

سال‌های ۱۹۵۰ تا ۲۰۱۰، به طور نسبی تعریفی جامع از جنگ نیابتی، به شرح زیر ارائه داده است: «جنگ نیابتی به دسته‌ای از جنگ‌ها اطلاق می‌شود که (اول) در آنها یک یا تعدادی از دولت‌ها در وضعیت رویارویی به سر می‌برند و (دوم) صرف نظر از چگونگی مسئولیت‌پذیری، مشارکت یا توافق مشترک بر سر اهداف مشخص توسط بسیاری دیگر از بازیگران غیردولتی، حداقل یکی از مرزهای مستقل مورد تجاوز قرار گرفته است.» (Craig, 2012: 46-47)

ادبیات سنتی در این حوزه، تعریف مضیق‌تری از روابط نیابتی و نقش بازیگران دخیل در آن دارند. برای مثال، «گراینت هیوز»^۱ در کتاب دشمن دشمنان من،^۲ نیروهای غیردولتی متخاصم را بازیگران اصلی در یک جنگ نیابتی قلمداد می‌کند و برای بازیگران دولتی خارجی تنها نقش پشتیبانی‌کننده قائل است (Hughes, 2014: 1-2).

بنابراین، ادبیات نظری درباره جنگ نیابتی، این نوع نبرد را مستلزم وجود نوعی همکاری راهبردی بین دولت خارجی با شریک محلی در جغرافیای مبارزه، قلمداد می‌کند. بر این اساس، دولت‌ها برای دستیابی به اهداف مورد نظر، برای رفتن به جایی در قلمرو رقیب که نمی‌توانند در آن حضور داشته باشند، از ظرفیت بازیگران غیردولتی محلی استفاده می‌کنند و اقتدار دولت هدف را به چالش می‌کشند (Craig, 2012: 45-66).

از سوی دیگر، بخش تحقیقات جنگ و صلح در دانشگاه «اوپسالا» در سوئد پروژه‌ای را هدایت و روزآمد می‌کند که تحلیل داده‌های آن، تحول بزرگی در تعریف نقش بازیگران در روابط نیابتی ایجاد کرده است. برنامه «اوپسالا»^۳ به جمع‌آوری سیستماتیک داده درباره مناقشات سراسر جهان اختصاص دارد، که اطلاعات آن، برای تولید ادبیات جدید مورد استفاده پژوهشگران حوزه جنگ نیابتی قرار گرفته است. اطلاعات برنامه «اوپسالا»، ناظر به ۱۶۴ زوج نیابتی در ۴۳ مناقشه طی سال‌های ۱۹۵۴ تا ۲۰۰۹، است که براساس آنها می‌توان به الگوهای نظری جدیدی برای تحلیل روشمند، در مطالعه موردی درباره روابط نیابتی دست یافت.

«ریان جاستین یاورا» از دانشگاه «هانور»^۴ با اتکا بر داده‌های برنامه «اوپسالا» نتیجه‌گیری می‌کند که جنگ نیابتی، الزاما به معنی مشارکت آشکار بازیگران غیردولتی و عدم مداخله مستقیم یک دولت ذی‌نفع در جنگ داخلی یک کشور دیگر نیست؛ بلکه چنین جنگی مستلزم تحقق معیارهای زیر است:

1. Geraint Hughes
2. My Enemy's Enemy
3. The Uppsala Conflict Data Program (UCDP)
4. University Honors



- نیاز به یک رابطه مستقیم مبتنی بر همکاری؛
- وجود یک دشمن مشترک برای حامی و نایب؛

- حفظ روابط میان حامی و نیروی نایب در طول زمان (Youra, 2014:10): «میهای کاتلین کرویسو»^۱ و همکارانش در یکی از پروژه‌های برنامه «اوپسالا» به این نتیجه دست یافتند که مناقشه نظامی ممکن است به سازماندهی یک یا چند «زوج نیابتی»^۲ بینجامد و شامل ماتریسی از روابط بازیگران دولتی و غیردولتی باشد که در هریک از آنها، جای حامی و نایب تغییر یابد. این گزاره به این مفهوم است که یک دولت همواره در جایگاه یک حامی ایفای نقش نمی‌کند. از سوی دیگر، شکل‌گیری روابط نیابتی، به این معنی نیست که دولت حامی به‌واسطه اعزام مستقیم نیرو، در مناقشه هدف مشارکت نخواهد کرد. همچنین ممکن است دولت به عنوان «حامی ثانویه مناقشه»^۳ اقدام به اعزام مستقیم نیروی نظامی برای کمک به نایب خود کند (Croicu & others, 2011: 4).

یافته‌های «رایان جاستین یاورا» از داده‌های برنامه «اوپسالا»، نشان می‌دهد که برخلاف مفاهیم رایج سنتی، این امکان وجود دارد که بازیگران غیردولتی نیز در نقش حامی ظاهر شوند. این بازیگران به دلیل عدم دسترسی به منابعی که یک دولت در اختیار دارد، در قالب «حامی ویژه نیابتی»^۴ دسته‌بندی می‌شوند و به همین دلیل، ممکن است از تجمیع منابع لازم برای کمک به یک طرف تخصص، ناتوان باشند (Youra, 2014: 22).

برنامه اوپسالا به تولید الگوهای نظری میان‌برد کمک کرده است که می‌توان از معیارهای آن برای تحلیل کاربردی اطلاعات در پژوهش‌های متکی به مطالعه موردی، بهره‌برداری کرد. بخشی از این معیارها تشریح‌کننده اشکال عمومی حمایت‌اند که در انواع مناقشات در سطح جهان رواج داشته‌اند. این برنامه در آخرین نسخه اصلاح‌شده توسط «میهای کاتلین کرویسو» و همکارانش که در سال ۲۰۱۱ روزآمد و ارائه شد، ده معیار جهان‌شمول را شناسایی کرده است که می‌توان از آنها برای انطباق شواهد عینی مطالعات موردی و شناسایی احتمالی الگوهای جدید، استفاده کرد.

- اعزام نیروهای نظامی: مفهوم این نوع حمایت این است که یک حامی دولتی نیروهای رزمی را به عنوان حامی ثانویه در جنگ، برای کمک به دولت متخاصم اصلی اعزام کرده است. این امر شامل تکنسین‌های پشتیبان تجهیزات یا مربیان و متخصصان نظامی، برنامه‌ریزان، کارشناسان و غیره نمی‌شود. همچنین منظور از آن، اجرای عملیات مشترک یا اتحاد با بازیگران غیردولتی نیست و شامل اتحاد بین حامی خارجی غیردولتی و طرف متخاصم اصلی - که دولت است - نمی‌شود

1. Mihai Cătălin Croicu

2. Proxy Dyad

3. Secondary Warring Support

4. Special Proxy Supporter

(Croicu & others, 2011: 14).

- دسترسی به قلمرو: در این نوع حمایت، یک دولت به یک طرف متخاصم اجازه می‌دهد در قلمرو تحت کنترل خود پایگاه‌هایی ایجاد کند و از قلمرو تحت حاکمیت خود به عنوان پناهگاه، نقطه‌ای برای اقدام نظامی فرامرزی یا هر اقدام دیگری استفاده کند. بدیهی است این نوع حمایت باید به شکل ارادی انجام شود. در این صورت، استفاده طرف‌های متخاصم از خاک کشورهایی که دولت به دلیل فروماندگی، قادر به کنترل آن بخش از سرزمین نیست، شامل این دسته‌بندی مفهومی نمی‌شود (Croicu & others, 2011: 15).

- دسترسی به زیرساخت‌های نظامی یا اطلاعاتی: در این نوع پشتیبانی، یک دولت حامی خارجی بدون اقدام به اعزام مستقیم نیروی نظامی کمکی، به‌نوعی در زنجیره فرماندهی دولت متخاصم اصلی ادغام می‌شود و اجازه می‌دهد از زیرساخت‌های نظامی او استفاده کند. این بدان معناست که حامیان خارجی به طرف متخاصم اولیه اجازه می‌دهند که از بخشی از زیرساخت‌های نظامی آنها (پایگاه‌ها، ایستگاه‌های جمع‌آوری اطلاعات و غیره) به‌گونه‌ای استفاده کند که گویی متعلق به خودش است. اتحاد بین گروه‌های شورشی و عملیات مشترک با یک یا هر دو دولت متخاصم علیه یک گروه شورشی دیگر نیز در چارچوب دسترسی به زیرساخت‌های نظامی یا اطلاعاتی قابل ارزیابی است. در این شرایط، آن دو دولت به‌رغم تخصاخص علیه هم، به‌طور جداگانه علیه یک گروه شورشی ثالث در جنگ هستند (Croicu & others, 2011: 15).

- تسلیحات: حمایت‌های تحت پوشش در اینجا شامل: کمک‌های بلاعوض تسلیحاتی، نقل و انتقالات، تدارکات یا ارسال هر نوع اسلحه و مهمات به عنوان قرض است. فروش سلاح با شرایط مصالحه‌ای نیز در این دسته گنجانده می‌شود (Croicu & others, 2011: 16).

- تدارکات: در این متغیر، طیفی از انواع مختلف پشتیبانی پوشش داده شده است. پشتیبانی عادی، شامل تجهیزات غیرتسلیحاتی قابل استفاده در عملیات نظامی مستقیم، از جمله: وسایل نقلیه، یونیفرم‌ها، چادرها و بیمارستان‌های صحرایی است. همچنین دربرگیرنده فناوری تسلیحاتی غیرمستقیم، مثل رادارها، فناوری دید در شب، بولدوزرهای ساختمانی و غیره است. کمک‌های لجستیکی نیز شامل: حمل و نقل نیرو، تعمیر و پشتیبانی تسلیحات پیشرفته مانند هواپیما، موشک و تانک و تکنسین‌ها یا کاربران آنها می‌شود (Croicu & others, 2011: 16).

- آموزش: این متغیر پوشش‌دهنده هر نوع آموزش در محل و در کشور حامی است. علاوه بر این، کارکنان متخصص و مستشاران نظامی خارجی که در ستاد فرماندهی حضور دارند یا به‌طور مستقیم در عملیات رزمی شرکت نمی‌کنند نیز در این دسته از کمک‌ها قرار می‌گیرند (Croicu & others, 2011: 16).

- تخصیص بودجه و کمک اقتصادی: این نوع حمایت، شامل هر شکلی از کمک‌های اقتصادی است که توسط یک حامی خارجی، به منظور تأمین مالی جنگ مسلحانه به طرف متخاصم داده می‌شود. این حمایت‌ها، شامل وام‌ها و کمک‌های بلاعوض نظامی است که برای بهبود قابلیت‌های نظامی پرداخت می‌شوند. همچنین شامل ضمانت یا حمایت از دولت مورد حمایت نزد مؤسسات مالی چندجانبه (مانند بانک جهانی یا صندوق بین‌المللی پول) یا سایر وام‌دهندگان می‌شود. باید توجه داشت که این نوع حمایت، شامل کمک‌ها یا وام‌های بشردوستانه و توسعه‌ای نمی‌شود (Croicu & others, 2011: 16).

- داده‌های اطلاعاتی: این شکل از پشتیبانی، هر نوع اطلاعات ارائه‌شده توسط یک حامی خارجی (نقشه‌های مربوط به موقعیت دشمن، کدها و کلیدهای رمزنگاری، تصاویر ماهواره‌ای، سیگنال‌ها، اطلاعات مربوط به توانایی نیروها، داده‌های مربوط به محل نگهداری رهبران شورشیان و غیره) را پوشش می‌دهد. این الگو فقط شامل اطلاعات ارائه‌شده توسط پشتیبان خارجی است. اگر یک حامی به طرف متخاصم این امکان را بدهد که (به میل خود) از ظرفیت‌های زیرساخت اطلاعاتی حامی استفاده کند (یعنی به یک طرف اصلی دسترسی دهد تا از ماهواره برای جمع‌آوری اطلاعات به دلخواه خود استفاده کند)، این شکل از پشتیبانی در چارچوب دسترسی به زیرساخت‌های نظامی یا اطلاعاتی دسته‌بندی می‌شود (Croicu & Others, 2011: 17).

- حمایت‌های ناشناخته: این شکل از پشتیبانی مربوط به زمانی است که براساس اطلاعات به دست‌آمده از منابع قابل اعتماد، وجود پشتیبانی قطعی است؛ اما نوع آن به دلیل پنهان‌کاری طرفین مشخص نیست.

- اشکال دیگر حمایت: این شکل از پشتیبانی، شامل انواعی است که در دسته‌های قبلی پوشش داده نشده‌اند، مانند ایجاد فرصت‌های استخدام، اعطای پناهندگی، تأمین مالی یک گروه شورشی برای تأسیس یک ایستگاه رادیویی، واسطه‌گری برای انتقال تسلیحات و غیره (Croicu & others, 2011: 17).

جدول ۴. سطح پشتیبانی قدرت‌ها در روابط نیابتی (براساس اطلاعات برنامه اوپسالا)

تعداد اشکال	ابرقدرت	قدرت بزرگ	قدرت خرد	سازمان بین‌المللی	بازیگر غیردولتی
۵	۲	۰	۱	۰	۰
۴	۱	۰	۳	۰	۰
۳	۲۲	۰	۷	۰	۰
۲	۱۴	۳	۱۹	۰	۲
۱	۱۵	۱۱	۵۵	۶	۳
مجموع	۵۴	۱۴	۸۵	۶	۵

(آزاد الف)، ۱۳۹۷: ۷۵)

روابط نیابتی بین بازیگران دولتی و غیردولتی با مسائلی مواجه است که ادبیات نظری «پارتیزان» پاسخگوی آنهاست. گروه شورشی مورد حمایت دولت خارجی، به‌طور عمومی در قالب چریک یا مبارز نامتقارن، در درگیری نظامی حضور دارد. چریک در جایگاه نایب به‌طور طبیعی از جهات سیاسی، نظامی و اقتصادی به حامی دولتی وابسته است که از آن به عنوان «ذی‌نفع سوم»^۱ یاد می‌شود. پارتیزان‌ها یا چریک‌ها، علاوه بر پول و اسلحه تلاش می‌کنند مشروعیت بین‌المللی مورد نیاز خود را نیز از طریق شناسایی توسط بازیگران دولتی به دست بیاورند تا به حوزه غیرسیاسی رانده نشوند. این وابستگی، پارتیزان‌ها را از خطر بازیچه قرار گرفتن توسط قدرت متعارف دولتی مصون نگه نخواهد داشت.

از طرف دیگر، این امکان به‌شدت وجود دارد که به‌مرور زمان و به‌دلیل ورود پارتیزان‌ها به بافت سیاسی بین‌المللی، از سوی قدرت‌های بزرگ مورد استحاله قرار گیرند و اهدافی که برای آن نبرد می‌جنگیدند، دستخوش تغییر شوند. پارتیزان‌ها ابتدا برای حفظ قلمرو خود مبارزه می‌کنند، اما تجربه ثابت کرده است در مقاطعی که حامی دولتی لازم بداند، چریک‌ها را فدای منافع خود می‌کند. در این فرایند ممکن است عملکرد نظامی پارتیزان‌ها به مزدوری تنزل یابد که از پوشش قهرمانانه برخوردار است (Muller, 2006: 9-14).

الگوی حمایت نیابتی از گروه‌های شورشی در سوریه

بعد از آغاز بی‌نظمی در جنگ داخلی سوریه و خروج کنترل مناطق از اختیار دولت مرکزی، مخالفان نظام حاکم به ذخایر سلاح و مهمات دسترسی یافتند و شکل‌گیری گروه‌های مسلح شروع شد. بخش زیادی از این گروه‌ها پیرو تحکیم شرایط آنارشیک و در چارچوب دستیابی به منافع شکل گرفتند که تعداد آنها به حدود ۶ هزار گروه و شورای نظامی با بزرگی چند ده تا چند هزار نفر رسید. بنابراین، رقابت‌های داخلی بین گروه‌ها بر محور اختلافات عقیدتی، منافع مادی یا جنگ قدرت آغاز شد و به پدیده ادغام‌ها، اتحادها، ائتلاف‌ها و جدایی‌های پیاپی شکل داد که براساس آن، هزار گروه‌بندی (اعم از اتاق‌های عملیات و...) حول اهداف مختلف تشکیل و منحل شدند که تعداد آن در هر هفته، بین ۱۳ تا ۶۵ گروه بود (The Carter Center, 2014: 11).

گروه‌های مسلح مخالف در جنگ داخلی سوریه به دو بخش فراملی و ملی تقسیم می‌شدند. بخش فراملی، شامل جریان‌های داعش و القاعده بودند که از سوی قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد در زمره گروه‌های تروریستی دسته‌بندی شدند. بنابراین، هیچ یک از این دو جریان، به‌طور رسمی از سوی هیچ بازیگر دولتی مورد حمایت قرار نگرفتند.

چاک هگل، وزیر دفاع وقت آمریکا، برای اولین بار روز ۱۲ شهریور ۱۳۹۲ (سوم سپتامبر ۲۰۱۳) در جلسه اجتماع کنگره اعلام کرد که دولت آمریکا در حال انجام دادن ترتیبات ارسال سلاح و کمک مخفی به مخالفان نظام سوریه است. البته مداخله مستقیم آمریکا در جنگ، به دلایل مختلف، از جمله احتمال پاسخ تلافی جویانه سیستم موشکی سوریه علیه اسرائیل و تبعات بین‌المللی آن، از دستورکار خارج شد.

آمریکا از همکاری با نیروهای اسلام‌گرا دوری کرد و حمایت از نیروهای شورشی فاقد گرایش دینی را در دستورکار قرار داد. استعداد این بخش که از سوی آمریکا «مخالفان معتدل» نامیده شدند، بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار نفر قابل ارزیابی بود. از این تعداد، ۲۳ گروه با استعدادی حدود ۹۰ هزار نفر در قالب گروه‌های قدرتمند و قدرت بالقوه قابل دسته‌بندی بودند که توانایی آغاز عملیات‌های آفندی و ایجاد تغییرات راهبردی در میدان نبرد داشتند. (Blanchard and Sharp, 2013: 28-49)

جدول ۵. دسته‌بندی استعداد، ویژگی و توانایی گروه‌های معارض در سوریه

توانایی	ویژگی	استعداد (نفر)	
دارای توانایی ایجاد تغییرات راهبردی	۲۳ گروه دارای سازمان	۹۰ هزار	قدرتمند و
			قدرتمند بالقوه
فاقد توانایی ایجاد تغییرات راهبردی	۲۶ گروه با استعداد متغیر و ایدئولوژی متفاوت صدها گروه چند ده نفره محلی	۱۵-۱۰ هزار	متوسط
			محلی

(Cafarella and Casagrande, 2016: 14-46)

ممکن است تعداد زیادی از دولت‌ها اقدام به حمایت سیاسی و حتی مالی و تسلیحاتی محدود از شورشیان سوریه کرده باشند؛ اما در میان آنها تنها از شش کشور ترکیه، اردن، آمریکا، عربستان، امارات و قطر شواهد عینی قابل توجه برای بررسی وجود دارد. مسئله «هم‌جواری» نقش همسایگان سوریه را در حمایت از شورشیان این کشور برجسته کرد؛ اما این دلیل، برای ایفای نقش حمایتی آنان از شورشیان سوری یا حکومت سوریه کافی نبود. برای مثال، دولت عراق هیچ‌گاه به حمایت از هیچ کدام از دو طرف مناقشه نپرداخت و در مقابل، ترکیه و اردن قلمرو سرزمینی خود را در اختیار شورشیان سوری قرار دادند و به همین دلیل، نقش بسزایی در تغییر موازنه جنگ داشتند. نیروهای نظامی ترکیه برای اجرای طرح کاهش تنش یا سرکوب پ.ک.ک در ۱۱۹ نقطه از خاک سوریه مستقر شدند؛ اما نه ترکیه و نه هیچ‌یک از حامیان دولتی گروه‌های شورشی سوریه، اقدام به

اعزام نیروی نظامی برای کمک به آنان در جنگ علیه نظام سوریه نکردند. آنها همچنین به شورشیان سوری امکان دسترسی مستقل به زیرساخت‌های نظامی و اطلاعاتی خود را ندادند؛ اما در همکاری با آمریکا پشتیبانی مالی و تسلیحاتی گروه‌های شورشی را از اواخر سال ۲۰۱۳، توسط دو مرکز عملیات‌های نظامی که در ترکیه (MOM)^۱ و اردن (MOC)^۲ مستقر بودند، آغاز کردند. آمریکا فرماندهی هر دو مرکز عملیات را عهده‌دار بود و دولت‌های ترکیه و اردن در شمال و جنوب نقش برجسته‌ای در زمینه تخصیص کمک‌ها، آموزش و اختصاص جغرافیا در خاک کشور خود ایفا می‌کردند (The Carter Center, 2015: 10-33).

آمریکا حداقل به واسطه فرماندهی عملیات ویژه در وزارت دفاع آمریکا^۳ و مرکز تحقیق و ساخت سلاح پیکائینی آرسنال^۴ در ایالات نیوجرسی در یک فرایند چهار مرحله‌ای، تسلیحات مورد نیاز در سوریه را از کشورهای اروپای شرقی خریداری و سپس با حمل هوایی و دریایی از کشورهای عربستان و امارات به ترکیه و اردن منتقل می‌کرد و سپس به گروه‌های شورشی سوری تحویل می‌داد. فرماندهی عملیات ویژه به عنوان مسئول اجرای عملیات در خارج از مرزهای ایالات متحده، دریافت‌کننده اولیه و ارسال‌کننده نهایی تسلیحات به سوریه بوده است. پیکائینی آرسنال نیز به عنوان یک مرکز دارای تجربه خرید تسلیحات از کشورهای اروپای شرقی، در این فرایند فعال بود.

از طریق این سازوکار، ۷۶ درصد از محموله‌های تسلیحات از بندر عقبه در اردن و ۲۴ درصد از اسکله نظامی آغلار در ترکیه از شمال و جنوب سوریه وارد خاک این کشور می‌شد^۵ (Angelovski and Marzouk, 2017).

انطباق شواهد عینی با معیارهای برنامه اوپسالا نشان می‌دهد قلمرو سرزمینی ترکیه و اردن، نقشی محوری در اجرای سایر اشکال حمایت داشته است. بدون برقراری ارتباط سرزمینی، امکان تسلیح، آموزش، تدارکات، پشتیبانی اطلاعاتی و سایر اشکال حمایت با دشواری چشمگیری روبه‌رو بود.

1. Müşterek Operasyon Merkezi
2. Military Operations Center
3. Special Operations Command (SOCOM)
4. Picatinny Arsenal

۵. فرماندهی عملیات ویژه طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶، ۲۷ میلیون دلار تسلیحات از بلغارستان و ۱۲ میلیون دلار سلاح از صربستان به سوریه منتقل کرده است. این فرماندهی از دسامبر ۲۰۱۵ تا می ۲۰۱۶، ۴۷۰۰ تن تسلیحات به مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار را از راه دریا به سوریه منتقل کرده است. مسیر زمینی انتقال این تسلیحات از جمهوری چک، اوکراین و بوسنی و هرزگوین به رومانی و بلغارستان و مسیر حمل دریایی آن از بنادر کنستانتا در رومانی و بورگاس در بلغارستان به اسکله نظامی آغلار در شهرک توسکوی ترکیه و عقبه در اردن بوده است.



علاوه بر فقدان یک جریان قدرتمند ملی جایگزین برای نظام سوریه، حضور القاعده و داعش بروز آنا‌رشی کامل پس از سقوط نظام سوریه را با احتمال بالایی روبه‌رو می‌ساخت. این مسئله چالش مهم دولت‌های حامی گروه‌های شورشی و در رأس آنها آمریکا بود؛ زیرا بروز چنین وضعیتی امنیت اسرائیل را به‌طور جدی تحت تأثیر قرار می‌داد. با وجود اصرار ترکیه برای ایجاد مناطق پرواز ممنوع و حائل، طی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ ناتو دوازده بار و دولت آمریکا نه بار به‌طور رسمی امکان ایجاد چنین مناطقی را رد کردند و از پشتیبانی هوایی شورشیان در برابر نظام سوریه نیز خودداری کردند (آزاد (ب)، ۱۳۹۷: ۲۴).

آمریکا با مرور تجارب جنگ در افغانستان و هراس از تسلط گروه‌های اسلام‌گرا بر کمک‌های تسلیحاتی، از ارسال تسلیحات راهبردی نظیر پدافند هوایی برای گروه‌های شورشی سوریه نیز پرهیز کرد. بر همین اساس، آمریکا در چارچوب ائتلاف راه حل ذاتی و با اتکا بر دکترین ناتوانی دولت سوریه در مبارزه با تهدید بین‌المللی داعش و نیز براساس قطعنامه ۲۲۴۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد، با تعداد محدودی نیروی نظامی در شمال شرق سوریه حاضر شد که هدف‌گذاری آن، تغییر رژیم در این کشور نبود^۱ (Katzman, 2015:8).

۱. برخی بر این باورند که دکترین عدم توانایی دولت سوریه در حقوق بین‌الملل پذیرفته نشده و همچنان محل اختلاف است و نمی‌توان ادعای ناتوانی این کشور را مجوزی برای مداخله در سوریه دانست؛ زیرا دولت‌ها تنها در صورت رضایت صریح دولت، دفاع مشروع و تجویز شورای امنیت ذیل ماده ۴۲ منشور می‌توانند در سرزمین کشور دیگری به‌زور متوسل شوند (طباطبایی لطفی، شارق، ۱۳۹۵: ۱۹۸-۱۹۵). با وجود این، شورای امنیت سازمان ملل متحد روز ۲۰ نوامبر ۲۰۱۵ با استناد به حملات داعش به نقاط دیگر جهان، از سایر کشورها خواست داعش را تهدیدی جهانی و بی‌سابقه علیه صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد کنند و از دولت‌هایی که توانایی لازم را دارند دعوت کرد تا مطابق با حقوق بین‌الملل مخصوصاً منشور ملل متحد، همچنین پناهندگی و حقوق بشردوستانه، با تشدید و هماهنگ کردن اقداماتشان به سرکوب افعال تروریستی داعش، جبهه النصرة و سایر گروه‌ها و اشخاصی که با القاعده همکاری می‌کنند، بپردازند و مکان امن آنها در سوریه و عراق را از بین ببرند (United Nations/RES/2249, 2015: 1-2). بنابراین، آمریکا به‌رغم مخالفت نظام سوریه مشروعیت لازم را برای اقدام نظامی علیه داعش در سوریه کسب کرد و با وتوی چین و روسیه نیز مواجه نشد.

جدول ۶. سطح پشتیبانی حامیان شورشیان سوری براساس معیارهای برنامه اوپسالا

اندام نیروی نظامی	دسترس به قلمرو	دسترس به زیرساخت‌های نظامی یا اطلاعاتی	تسلط	تدارکات	آموزش	کمک اقتصادی	پشتیبانی اطلاعاتی	حمایت ناشناخته	دیگر اشکال حمایت	مجموع
ترکیه	-	*	-	*	*	*	*	؟	*	۷
آمریکا	-	-	-	*	*	*	*	؟	*	۶
عربستان	-	-	-	*	؟	*	؟	؟	*	۳
امارات	-	-	-	-	*	-	؟	؟	؟	۱
قطر	-	-	-	؟	-	؟	*	؟	*	۲
اردن	-	*	-	*	*	؟	*	؟	*	۵

(آزاد (الف)، ۱۳۹۷: ۳۷۰)

الگوی حمایت نیابتی از نظام سوریه

حکومت سوریه بعد از آغاز بحران داخلی، از جمهوری اسلامی ایران برای مهار آشوب کمک خواست و بر همین اساس از سال ۲۰۱۱، مستشاران ایرانی از نهاد نیروی انتظامی برای کمک به مهار غیرنظامی آشوب در سوریه وارد این کشور شدند. مشارکت ابتدایی ایران مبتنی بر ارائه کمک به آموزش جایگزینی سازوکارهای ضدشورش به جای سازوکارهای نظامی خشن برای مهار بحران بود. این روند با آموزش نیروهای دفاعی کمکی سوری تبار خارج از سازمان رسمی نیروهای مسلح این کشور همراه بود (بابایی، ۱۳۹۵: ۴۳۶).

جمهوری اسلامی ایران حفظ نظام سوریه را به عنوان یکی از خطوط قرمز سیاست خارجی خود تعریف کرده بود و تلاش تمام‌عیار برای دستیابی به این هدف را در دستورکار قرار داد. چنین هدفی در چارچوب الگوی دشمنی با اسرائیل و در راستای حفظ یکی از بازیگران کلیدی محور موسوم به مقاومت تعریف شده بود. ایران علاوه بر اعزام نیروی نظامی، پشتیبانی تسلیحاتی و اطلاعاتی، تدارکات و کمک اقتصادی و تخصیص بودجه، به موازات آموزش و سازماندهی نیروهای غیرنظامی سوری تبار، به دلیل کمبود نیروی انسانی، بسیج و نیز سازماندهی و فرماندهی نیروهای شیعه غیرسوری از اتباع لبنان، عراق، افغانستان و پاکستان را هم آغاز کرد (آزاد، ۱۳۹۵: ۶۸۷۲).

سازماندهی ابتدایی برخی از این گروه‌ها توسط اتباع عراقی و افغانستانی مقیم سوریه،

به صورت خودجوش و با انگیزه مذهبی و منحصر به دفاع از مقدسات شیعه در مقابل هتک گروه‌های تکفیری آغاز شده بود، اما از سال ۲۰۱۳ با گسترش جغرافیای نبرد توسط ایران، بعد سیاسی نیز به آن افزوده شد. بنابراین، هم‌پیمانان غیردولتی ایران از یک سو، به عنوان نواب ایران وارد کارزار شدند و از سوی دیگر، به عنوان حامیان ارتش سوریه در جنگ داخلی این کشور عمل کردند (آزاد، ۱۳۹۵: ۶۸-۷۲).

روسیه به عنوان بازیگر دیگر حامی نظام سوریه، مشارکت در جنگ داخلی این کشور را از ژانویه ۲۰۱۳ با انتقال تسلیحات به سوریه آغاز کرد. مشارکت محدود مستشاران ارتش روسیه نیز از سال ۲۰۱۴ به طور رسمی در میدین نبرد حومه دمشق آغاز شد و ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، روز ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۵، به طور رسمی مشارکت در جنگ سوریه علیه تروریسم را اعلام کرد (آزاد، الف)، (۱۳۹۷: ۲۸۶-۲۸۵).

روسیه به موازات ارسال تجهیزات نظامی، روابط نیابتی را در چارچوب اعزام شرکت‌های امنیتی به سوریه توسعه داد. روز ۵ اردیبهشت ۱۳۹۱ (۲۴ آوریل ۲۰۱۲) «الساندر میترووانف»^۱ یکی از نمایندگان دومای روسیه با حمایت مستقیم پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، لایحه‌ای با شماره «۶۲۰۱۵-۶» به این مجلس ارائه داد که محتوای آن مربوط به قانونی‌سازی تأسیس شرکت‌های خصوصی امنیتی در فدراسیون روسیه با اهداف اقتصادی، نظیر ارائه خدمات نظامی و فروش تسلیحات بود. ماده سوم این لایحه ناظر بر آماده‌سازی شرایط برای استفاده از ظرفیت نیروهای غیررسمی در مأموریت‌های احتمالی برون مرزی بود. ماده ۲۷ از آن، ناظر بر استفاده از استعداد نیروهای خارجی در مأموریت‌ها بود (Проект №62015-6, 2012: 3-31).

دوما با لایحه اختیار قانونی تأسیس و بهره‌برداری از شرکت‌های خصوصی امنیتی مخالفت کرد، اما دولت روسیه استفاده از ظرفیت این شرکت‌ها در سوریه را با ورود «گروه امنیتی موران»^۲ به این کشور برای بازپس‌گیری چاه‌های نفت از داعش و کنترل آنها در سال ۲۰۱۳ آغاز کرد^۳ (Østensen and Bukkvoll, 2018: 25).

انطباق شواهد عینی مربوط به عملکرد جمهوری اسلامی ایران و روسیه با معیارهای برنامه اوپسالا نشان می‌دهد که آنها به دلیل عدم هم‌جواری با سوریه، قادر نبوده‌اند قلمرو خود در روند

1. Митрофановым А.В.

2. Moran Security Group

۳. با وجود تلاش‌های زیاد برای قانونی‌سازی شرکت‌های خصوصی امنیتی، لایحه شماره «۶۲۰۱۵-۶» به دلیل مغایرت‌های قانونی با تکلیف باقی ماند. شرکت‌های خصوصی امنیتی بر اساس بند اول از ماده ۳۵۹ از قانون شماره ۶۳ فدرال روسیه مصوب ۲۴ خرداد ۱۳۷۵ (۱۳ ژوئن ۱۹۹۶) با عنوان «مزدور» دسته‌بندی شده بودند. این شرکت‌ها بر اساس ماده ۲۰۸ از این قانون، به عنوان یک سازمان یا تشکیلات غیرقانونی مسلح شناخته می‌شدند (Federal Law No. 63-FZ, 1996: 99-170).

جنگ را به‌کار گیرند؛ اما هر دو بازیگر اقدام به اعزام نیروی نظامی برای حمایت از سوریه در جنگ کرده‌اند. استقرار نظامی در خاک سوریه و مشارکت مستقیم در میداين نبرد و به‌خصوص پشتیبانی هوایی، تأثیر زیادی در معادلات نظامی داشت.

پشتیبانی هوایی روسیه، به‌طور ویژه بر این روند تأثیرگذار بود. نیروی هوایی سوریه براساس شرایط میدان نبرد، به‌طور متوسط بین ۵۷ تا ۱۱۹ عملیات در هر روز انجام می‌داد که تعداد آنها بعد از آغاز پشتیبانی هوایی روسیه افزایش یافت (۵۰ عملیات در روز). پشتیبانی هوایی شاخص تأثیرگذاری در روند نبرد بود که شورشیان سوری از آن بی‌بهره بودند و در عین حال، به‌دلیل عدم دریافت تسلیحات پدافند هوایی از سوی حامیان، توانایی مقابله با آن را نیز نداشتند (آزاد، ۱۳۹۴: ۲۵).

ایران و روسیه و هم‌پیمانان آنها به ترتیب در ۲۷۳ و ۹۰ موقعیت نظامی در خاک سوریه مستقر شدند. این نقاط استقرار شامل پایگاه‌ها و مراکز نظامی، پایگاه‌های عملیاتی، مراکز امنیتی، مراکز مراقبت و مراکز پزشکی بودند که در حین عملیات‌های نظامی، بازپس‌گیری مناطق و کنترل آنها ایجاد شدند.^۱ ایران و روسیه به‌دلیل استقرار در خاک سوریه، سایر اشکال پشتیبانی را با هزینه و چالش بسیار کمتری نسبت به حامیان گروه‌های شورشی انجام می‌دادند.

۱. پایگاه و مرکز نظامی: یگان‌های نظامی مجهز به تجهیزات نظامی و عملیاتی و برخوردار از پشتیبانی لجستیک برای انجام مأموریت دفاع یا هجوم در آنها حضور دارند. تفاوت بین استعداد یگان‌ها و حجم و انواع ادوات نظامی همراه آنها معیار قضاوت درباره اطلاق پایگاه یا مرکز نظامی است.

- پایگاه عملیات: به پایگاهی نظامی اطلاق می‌شود که در آن، مقرر فرماندهی برای اداره و برنامه‌ریزی مستقر است و از امکان پشتیبانی تاکتیکی و لجستیک در سطح نیرو و تسلیحات برخوردار است و شامل مأموریت هماهنگی بین نیروهای نظامی می‌شود. پایگاه عملیات از طریق پایگاه‌ها و نقاط نظامی و لجستیکی مرتبط به آنها، جغرافیای وسیعی را تحت پوشش قرار می‌دهد.

- پایگاه و مرکز امنیتی: مأموریت پایگاه نظامی منحصر به پشتیبانی امنیتی به شکل انفرادی یا با استفاده از کمک و پشتیبانی سایر پایگاه‌ها و نقاط مستقر در منطقه عملیاتی است. این مأموریت شامل: تهاجم، بازداشت و تحقیق است که پوشش‌دهنده دامنه‌ای از نقاط راهبردی نظیر چاه‌ها و خطوط انتقال نفت تا محل استقرار افراد مهم است. مرکز لجستیک و پزشکی: ماهیت پست لجستیک، نظامی است؛ اما مأموریت آن به‌طور کلی دربرگیرنده پشتیبانی غیرنظامی است. پست لجستیک به‌واسطه ایجاد نقاط متعدد برای آموزش و ارائه خدمات نگهداری و تعمیر ادوات نظامی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

- مرکز مراقبت: نقاطی که با مأموریت شناسایی، نزدیک خطوط تماس یا روی مسیرهای ارتباطی و امداد مستقرند و به رصد و جمع‌آوری اطلاعات نظامی و امنیتی مشغول هستند.



جدول ۷- سطح پشتیبانی بازیگران دولتی حامی نظام سوریه براساس معیارهای برنامه اوپسالا

انجام برتری نظامی	دسترسی به قلمرو	دسترسی به زیرساخت‌های نظامی یا اطلاعاتی	تسلط	تدارکات	آموزش	کمک اقتصادی	پشتیبانی اطلاعاتی	حمایت ناشناخته	دیگر اشکال حمایت	مجموع
*	-	-	*	*	*	*	*	۴	*	۷
*	-	-	*	*	*	*	*	۴	*	۷

(آزاد (الف)، ۱۳۹۷: ۳۷۰)

یک چالش نظری در روند بررسی انطباقی، تعیین تکلیف جایگاه هم‌پیمانان ایران و روسیه در ادبیات روابط نیابتی است. گروه‌های غیرسوری هم‌پیمان با ایران و شرکت‌های امنیتی روس «بازیگر دولتی» نبودند؛ اما به عنوان حامی نظام سوریه در جنگ، اقدام به اعزام نیروی نظامی به این کشور کردند.

برخی از این گروه‌ها نظیر حزب الله لبنان از سازماندهی مستقل در اعزام نیرو برخوردار بودند و سازماندهی برخی دیگر نظیر حیدریون، فاطمیون و زینیون توسط ایران انجام می‌شد. در عین حال، برخی از این بازیگران، نظیر حزب الله لبنان و شرکت‌های امنیتی روس علاوه بر مشارکت در روند جنگ، در آموزش نظامی نیروهای سوری نیز مشارکت داشتند. همچنین تمام هم‌پیمانان غیردولتی ایران و روسیه در سطوح مختلف، به‌منظور پشتیبانی اطلاعاتی از نظام سوریه در روند جنگ حمایت کردند.

چالش دیگر در روند بررسی انطباقی، تعیین تکلیف جایگاه نظری گروه‌های سوری است که از سوی جمهوری اسلامی ایران و روسیه بسیج، سازماندهی و فرماندهی شدند. عملکرد این بخش از نیروها در چارچوب مبانی نظری نیروهای کمکی^۱ قابل ارزیابی است که شامل شبه‌نظامیان حامی دولت و نیروهای موازی هستند. شبه‌نظامیان حامی دولت، گروه‌های مسلحی هستند که به طور غیررسمی یا نیمه‌رسمی با دولت مرکزی یا دولت‌های محلی و خودگردان همسو شده‌اند و هیچ‌گاه بخشی از نیروهای مسلح رسمی محسوب نمی‌شوند. این گروه‌ها به‌دلیل حمایت از دولت، کمک‌های آشکار یا ضمنی از سوی دولت دریافت و به‌نوبه خود، از حاکمیت نیز دفاع می‌کنند (Bohmelt & Clayton, 2016: 199).

نیروهای موازی زیر نظر دولت مرکزی سازماندهی می‌شوند و به‌عنوان نیروهای کمکی یا

به‌جای نیروهای رسمی فعالیت می‌کنند. نیروهای موازی شباهت زیادی به نیروهای رسمی دارند، با این تفاوت که ابتدا بسیج می‌شوند و پس از آموزش و تجهیز، در برقراری امنیت داخلی کشور نقش ایفا می‌کنند. علاوه بر این، جمع‌آوری اطلاعات، بازجویی و اجرای قانون همگی از وظایف مهم این واحدها به شمار می‌روند؛ با وجود این، دولت‌ها به‌سختی آنها را هم‌ردیف نیروهای منظم محسوب می‌کنند (Carey, Mitchell, 2017: 127).

جدول ۸. سطح پشتیبانی حامیان ویژه نظام سوریه در جنگ داخلی (براساس معیارهای برنامه اوپسالا)

مجموع	دیگر اشکال حمایت	حمایت ناشناخته	پشتیبانی اطلاعاتی	کمک اقتصادی	آموزش	تدارکات	تسلیمات	دسترسی به زیرساخت‌های نظامی یا اطلاعاتی	دسترسی به قلمرو	اعزام نیروی نظامی	
۴	؟	*	*	-	*	-	-	-	-	*	شرکت‌های امنیتی روس ^۱
۵	*	*	*	-	*	-	-	-	-	*	حزب الله لبنان
۳	؟	*	*	-	-	-	-	-	-	*	حیدریون از عراق ^۲
۳	؟	*	*	-	-	-	-	-	-	*	زینیون از پاکستان
۳	؟	*	*	-	-	-	-	-	-	*	فاطمیون از افغانستان

(آزاد (الف)، ۱۳۹۷: ۳۷۰)

اختلال در روابط نیابتی حامیان و شورشیان سوری

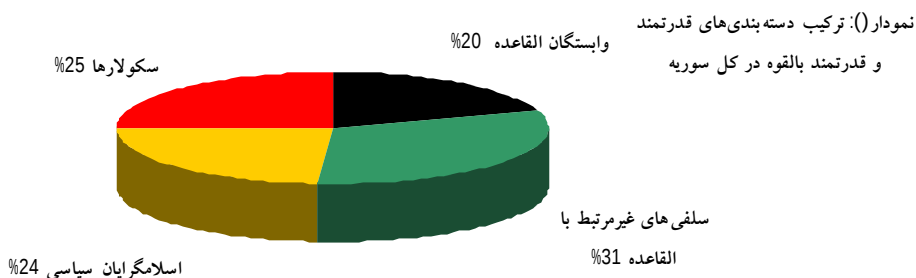
بعد از آغاز جنگ داخلی در سوریه در سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶، نظام حاکم بخش زیادی از کنترل سرزمینی را از دست داد و اعمال حاکمیت تنها بر ۲۱ درصد از مساحت سرزمینی کشور میسر بود. با وجود این، تا نیمه دوم سال ۲۰۱۷، معادلات میدان نبرد تغییر کرد و نسبت کنترل سرزمینی نظام سوریه به ۶۳ درصد افزایش یافت. بخشی از این روند که تا سال ۲۰۲۱ کماکان به قوت خود باقی

۱. حداقل هشت شرکت خصوصی امنیتی روس در سوریه جنگیدند. این گروه‌ها عبارت بودند از: «گروه امنیتی موران» (سپاه اسلونی)، «آنتی ترور»، «سنتر آر»، «گروه آ. تی. کا»، «سپاه ای. ان. او. تی»، «کوزاکز»، «واگنر» و «پاتریوت».

۲. حیدریون نامی است که از آن، برای خطاب به مجموعه گروه‌های عراقی حاضر در سوریه استفاده می‌شد. این مجموعه، شامل تعداد زیادی از گروه‌های کوچک و بزرگ بود که در سطوح و مدت زمان مختلفی در جنگ سوریه حضور داشتند. بنابراین، برای پرهیز از ایجاد پیچیدگی از مجموعه گروه‌های عراقی، در این مقاله با عنوان حیدریون یاد می‌شوند.

ماند، متأثر از روابط درونی گروه‌های شورشی مربوط بود و بخش دیگری از آن، به تفاوت اشکال و ماهیت حمایت حامیان دو طرف مناقشه ارتباط داشت.

از میان صدها گروه شورشی در سوریه، تنها ۲۳ گروه قدرتمند و قدرتمند بالقوه وجود داشتند که قادر به ایجاد تغییرات راهبردی بودند. با وجود این، گروه‌های یادشده به دلیل اختلافات شدید ایدئولوژیک و رقابت منافع، فاقد سازمان و فرماندهی مشترک بودند و حتی به ندرت در عملیات مشترک شرکت می‌کردند. از سوی دیگر، گروه‌های شورشی به دلایل مختلف، وارد مناقشه با یکدیگر می‌شدند. این مناقشات مسلحانه به دلیل هم‌طرازی نسبی قدرت گروه‌ها، یکی از دلایل فرسایش توانایی آنان بود (Cafarella and Casagrande, 2016: 14-46).



گروه‌های شورشی مورد اعتماد آمریکا، قادر به غلبه بر گروه‌های اسلام‌گرا نبودند. بنابراین، آمریکا و سایر حامیان گروه‌های شورشی از یک‌سو، به دلیل ریسک بالای تغییر رژیم سوریه برای امنیت اسرائیل، از پشتیبانی هوایی برای تعیین تکلیف جنگ امتناع داشتند و از سوی دیگر، به دلیل هراس از کنترل تسلیحات راهبردی توسط گروه‌های اسلام‌گرا، گروه‌های شورشی را با این تسلیحات تجهیز نمی‌کردند. به همین دلیل، حامیان نظام سوریه با اعزام نیروی نظامی منسجم و پشتیبانی هوایی، معادلات نظامی را به نفع خود تغییر دادند.

به دنبال این روند، آمریکا با تشخیص بی‌فایده بودن ادامه جنگ، قطع حمایت از شورشیان را به واسطه ارائه پیشنهاد طرح مناطق کاهش تنش به روسیه، آغاز کرد. این طرح در روز ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۶ (چهارم می ۲۰۱۷)، به یادداشت توافقی برای ایجاد مناطق کاهش تنش تبدیل شد که به امضای نمایندگان هیئت روسیه، ایران و ترکیه رسید. براساس این طرح، کمیته آشتی ملی سوریه به ریاست روسیه، خلع سلاح و تسلیم تدریجی مخالفان مسلح را در دستورکار قرار داد. آمریکا به رغم فشار روسیه هیچ‌گاه به طور مستقیم در این روند مشارکت نکرد، اما با تصمیم برای قطع کمک‌های مالی و تسلیحاتی به مخالفان نظام سوریه، آنان را وادار به تسلیم در برابر فشار روسیه کرد (آزاد (الف)، ۱۳۹۷: ۳۳۸-۳۳۷).

در نهایت، ترامپ رئیس‌جمهور وقت آمریکا روز دوم مرداد ۱۳۹۶ (۲۴ ژوئیه ۲۰۱۷) با این ادله که تسلیح مخالفان سوری، خطرناک و بی‌فایده است، پرداخت‌های آمریکا به آنها را قطع کرد. بدین ترتیب، تا پایان سال ۲۰۱۷ دو مرکز عملیات نظامی در اردن و ترکیه منحل شدند و ترکیه به‌عنوان تنها حامی مخالفان در شمال سوریه باقی ماند. مخالفان جبهه جنوبی نیز مجبور به تسلیم در برابر فشار نظامی سوریه شدند (آزاد (الف)، ۱۳۹۷: ۳۴۰).

با پایان حمایت مالی و تسلیحاتی آمریکا و سایر حامیان از شورشیان سوریه، ترکیه بهره‌برداری از ظرفیت آنان را برای تأمین اهداف امنیت ملی خود آغاز کرد. مهم‌ترین هدف راهبردی ترکیه در سوریه، مقابله با تهدید پ.ک.ک و شاخه سوری آن، حزب اتحاد دموکراتیک بود. ترکیه به‌خصوص پس از هم‌پیمانی آمریکا و حزب اتحاد دموکراتیک برای مبارزه با داعش، عملیات نظامی در شمال سوریه برای از بین بردن قلمرو این حزب را آغاز کرد. ترکیه چهار عملیات علیه حزب اتحاد دموکراتیک در خاک سوریه انجام داد که شورشیان سوری بخش قابل توجهی از استعداد لازم برای اجرای آنها و حفظ و کنترل اراضی اشغال‌شده پس از این عملیات‌ها را تشکیل می‌دادند (آزاد، ابراهیمی‌فر، ۱۳۹۷: ۷۵-۷۴).

جدول ۹. عملیات‌های مشترک ارتش ترکیه و شورشیان سوری علیه حزب اتحاد دموکراتیک

اهداف	نام عملیات	تاریخ
عقب راندن نیروهای دموکراتیک از جرابلس و حفظ شکاف عربی بین دو کانتون کوبانی و عفرین	سپر فرات	۲۴ آگوست ۲۰۱۶ تا ۲۹ مارس ۲۰۱۷
کنترل جغرافیای بین عفرین و اعزاز	شاخه زیتون	۲۰ ژانویه تا ۲۴ مارس ۲۰۱۸
پاک‌سازی نوار مرزی استان‌های حلب و رقه با ترکیه	چشمه صلح	۹ تا ۱۷ اکتبر ۲۰۱۹

(Zanotti and Thomas, 2020: 21-22)

قطع حمایت از گروه‌های شورشی و تغییر ماهیت اهداف آنان از جنگ برای تغییر رژیم در سوریه، به جنگ با حزب اتحاد دموکراتیک برای برقراری امنیت ملی سوریه، مؤید این واقعیت بود که گروه‌های شورشی براساس الگوی نظری پارتیزان، پس از تغییر اهداف سیاسی حامیان دولتی، به ابزاری برای تأمین منافع آنان تبدیل شدند که با اهداف اولیه متفاوت بود و عملکرد نظامی آنان را تا آستانه مزدوری پیش برد.

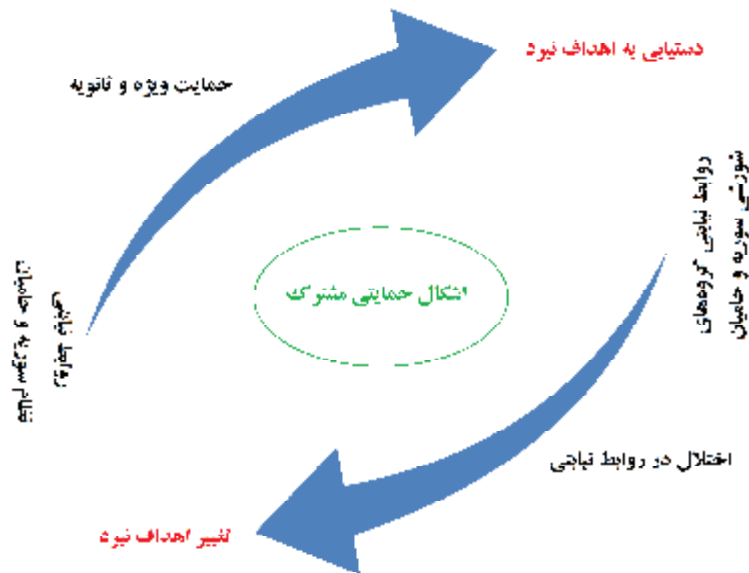
تجزیه و تحلیل داده‌ها

ارزیابی داده‌ها در جنگ داخلی سوریه براساس معیارهای برنامه اوپسالا نشان می‌دهد که نیاز به همکاری مستقیم و وجود دشمن مشترک، به مجموعه‌ای از روابط نیابتی در دو طرف مناقشه در این کشور شکل داده است. در این جنگ، حامیان نظام سوریه الزاماً دولت نبودند. ایران و روسیه به‌عنوان حامیان دولتی نظام سوریه از هم‌پیمانان غیردولتی فراملی در جنگ بهره‌برداری کردند و خود آنها به‌عنوان حامی غیردولتی نظام سوریه به ایفای نقش پرداختند.

براساس معیارهای برنامه اوپسالا، عملکرد ایران و روسیه در چارچوب «حامی ثانویه مناقشه» و عملکرد هم‌پیمانان غیردولتی نظام سوریه در قالب «حامی ویژه نیابتی» قابل تعریف است که ویژگی بارز آن، اعزام مستقیم نیروی نظامی منسجم به جغرافیای نبرد بود. حامیان ویژه نظام سوریه از وحدت هدف و سازماندهی نیمه‌منظم برخوردار بودند. این بازیگران با مشارکت در عملیات‌های مشترک که فرماندهی و هدایت آنها را ایران و روسیه عهده‌دار بودند، حمایت ثانویه از نظام سوریه در جنگ را آغاز کردند. نتیجه این فرایند، جلوگیری از سقوط نظام سوریه به‌عنوان هدف تعیین شده بود.

از سوی دیگر، گروه‌های شورشی سوری با تغییر اهداف سیاسی حامیان دولتی، تمام اشکال حمایت را از دست دادند و برای حفظ مشروعیت و بقای سیاسی به ترکیه تکیه کردند. این وابستگی، مخالفان سوری را در معرض استحاله هدف نبرد از سرنگونی نظام حاکم، به جنگ برای تأمین اهداف ترکیه علیه پ.ک.ک در خاک سوریه سوق داد. تعیین اولویت‌های نبرد توسط ترکیه، عملکرد گروه‌های شورشی سوری را تا سطح مزدوری تنزل داد.





شکل ۱. الگوی روابط نیابتی در جنگ سوریه (براساس معیارهای برنامه اوپسالا)

نتیجه‌گیری

انطباق شواهد عینی مربوط به روابط نیابتی در جنگ داخلی سوریه با معیارهای برنامه اوپسالا نشان می‌دهد که این روابط بر اساس نیاز به همکاری مستقیم، وجود دشمن مشترک برای حامی و هم‌پیمانان و نیاز به حفظ روابط میان آنان در طول زمان، شکل گرفته است.

حامیان غیردولتی نظام سوریه در این جنگ، خود از حمایت حامیان دولتی برخوردار بودند و بدون آن، قادر به ایفای نقش حمایتی نبودند. ایفای نقش دولت‌ها و بازیگران غیردولتی در جایگاه حامی، به الگوی جدیدی از روابط نیابتی در جنگ داخلی سوریه شکل داد که البته فقط در صف حامیان نظام سوریه قابل مشاهده بود. در مقابل، روابط نیابتی شورشیان سوری و حامیان آنها تابع شاخص‌های سنتی رایج در جنگ‌های نیابتی بود و در نهایت، به سوی روابط پارتیزان و ذی‌نفع سوم سوق یافت.

بررسی شواهد عینی براساس معیارهای اوپسالا، مؤید این واقعیت است که قدرت‌های کوچک‌تر تمایل بیشتری به مشارکت شدیدتر در جنگ نشان داده‌اند. ایران و ترکیه به‌عنوان قدرت‌های محلی و کوچک، با تمام شدت، منابع محدود خود را مصروف پشتیبانی از جنگ کرده‌اند، در حالی که آمریکا به‌عنوان یک ابرقدرت در توانایی نظامی و ژئوپولیتیک و قدرت جهانی اقتصادی با شدتی نزدیک به متوسط، به ایفای نقش در جنگ داخلی سوریه پرداخته است. روسیه نیز به‌عنوان یک قدرت نظامی و ژئوپولیتیک منطقه‌ای، به‌رغم اولویت اهداف ژئوپولیتیک، حمایت از نظام سوریه را معطوف به تأمین اهداف اقتصادی کرده است.



منابع و مآخذ

- آزاد، امیرحامد (۱۳۹۴)، «تحلیلی بر انطباق روند حملات هوایی روسیه در سوریه»، هفته‌نامه بدر، ش ۲۷، مؤسسه مطالعات راهبردی اندیشه‌سازان نور.
- آزاد، امیرحامد (۱۳۹۵)، «سایه روشن حشد شعبی»، نوبت اول، تهران: مؤسسه مطالعات راهبردی اندیشه‌سازان نور.
- آزاد، امیرحامد (الف) (۱۳۹۷)، تأثیر ساز و کارهای مهار داعش بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران: واحد تهران مرکز.
- آزاد، امیرحامد (ب) (۱۳۹۷)، «روندپذیری مداخلات نظامی ترکیه در سوریه پس از ۲۰۱۱»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، ش ۷۶، صص ۵-۲۷.
- آزاد، امیرحامد و طاهره ابراهیمی‌فر (۱۳۹۷)، «شبه‌نظامیان شمال سوریه و آینده نظام سیاسی دمشق»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره هفتم، ش اول، صص ۸۶-۴۹.
- بابایی، گل‌علی (۱۳۹۵)، پیغام ماهی‌ها، نوبت پنجم، تهران: انتشارات صائقه.
- طباطبایی لطفی، سیداحمد و زهراسادات شارق (۱۳۹۵)، «بررسی مشروعیت عملکرد ائتلاف ضد داعش (دولت اسلامی عراق و شام) از منظر حقوق بین‌الملل در سوریه»، ش اول، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، صص ۲۰۱-۱۷۹: <http://ensani.ir/file/download/article/1541406178-10163-42.pdf>
- علیپور، علیرضا (۱۳۹۷)، «جنگ نیابتی ایران و عربستان سعودی در منطقه غرب آسیا: مطالعه موردی بحران سوریه»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، س ۷، ش ۲، صص ۱۷۱-۱۴۳.
- Angelovski, Ivan, Marzouk, Lawrence (2017), Revealed: The Pentagon Is Spending Up To \$2.2 Billion on Soviet-Style Arms for Syrian Rebels. Organized Crime and Corruption Reporting project. <https://www.occrp.org/en/makingakilling/the-pentagon-is-spending-2-billion-on-soviet-style-arms-for-syrian-rebels>
- Blanchard, Christopher M., Sharp, Jeremy M. (2013), Possible U.S. Intervention in Syria. Issues for Congress. Congressional Research Service. <https://fas.org/sgp/crs/mideast/R43201.pdf>
- Bohmelt, Tobias. Clayton, Govinda (2016), Auxiliary Force Structure: Paramilitary Forces and Pro-Government Militias. Comparative Political Studies 51. https://www.unige.ch/sciences-societe/speri/files/9414/5294/9392/Tobias_Bohmelt_-_Security_Force_Structure.pdf
- Borshchevskaya, Anna (2017), Russia's Strategic Objectives in the Middle East and North Africa. House Foreign Affairs Committee. <https://docs.house.gov>

/meetings/FA/FA13/20170615/106128/HHRG-115-FA13-Wstate-BorshchevskayaA-20170615.pdf

- Croicu, Mihai Cătălin. Höglbladh, Stina. Pettersson, Thérèse. Themner,
- Lotta (2011), UCDP External Support Project -Disaggregated/Supporter Dataset Codebook, Uppsala Conflict Data Program UCDP Department of Peace and Conflict Research, Uppsala University, http://ucdp.uu.se/downloads/extsup/ucdp_external_support_disaggregated_codebook_1.0.pdf
- Craig, Dylan (2012), Proxy War by African States 1950-2010, faculty of the school of international service of American university.http://aladinrc.wrlc.org/bitstream/handle/1961/11012/Craig_american_0008E_10234display.pdf?sequence=1
- Cafarella, Jennifer, Casagrande, Genevieve (2016), Syrian Armed Opposition
- Powerbrokers. Middle East Security Report 29. The Institute for the Study of War. http://post.understandingwar.org/sites/default/files/Syrian%20Armed%20Opposition%20Powerbrokers_0.pdf
- Carey, Sabine C. Mitchell, Neil J (2017), Pro-Government. Annual Review of Political Science. Vol. 20. <http://www.sowi.uni-mannheim.de/lspol4/wp-content/uploads/2016/01/Carey-Mitchell-ORE-web-version.pdf>
- Eksi, Muharrem. (2017), the Syrian Crisis as a Proxy War and the Return of the Realist Great Power Politics. Hybrid Warfare Special. Issue 1. <https://www.researchgate.net/publication/329029586>
- Federal Law No. 63-FZ (1996), The Criminal Code Of the Russian Federation. <https://www.wipo.int/edocs/lexdocs/laws/en/ru/ru080en.pdf>
- Hughes, Geraint (2014), My Enemy's Enemy: Proxy Warfare in International Politics. Sussex Academic Press.
- Small Wars & Insurgencies (2014), Syria and the perils of proxy warfare, Vol. 25, No. 3. <http://dx.doi.org/10.1080/09592318.2014.913542>
- Hashemi, Seyed Abbas, Sahrapeyma, Mostafa (2018), Proxy war and US's smart power strategy (the case of Syria, 2011-2016), The Quarterly Journal of Political Studies of Islamic World, Vol. 6, NO. 24. https://psiw.journals.ikiu.ac.ir/article_1351_a133954d051c0ce6453a513f2c98bc88.pdf

- Özkizilcik, Ömer. (2020), the Syrian National Army. SETA Publications 175. <https://web.archive.org/web/20201118170603/https://setav.org/en/assets/uploads/2020/11/R175En.pdf>
- Phillips, Christopher, Valbjørn. Morten. (2018), 'What is in a Name?': The Role of (Different) Identities in the Multiple Proxy Wars in Syria. VOL. 29, NO. 3, 414–433. <https://doi.org/10.1080/09592318.2018.1455328>
- Slim, Randa. (2014), Hezbollah and Syria: From Regime Proxy to Regime Savior, Insight Turkey, Vol. 16, Issue 2.
- Sukhankin, Sergey (2019), Continuing War by Other Means: The Case of Wagner, Russia's Premier Private Military Company in the Middle East. Jamestown. <https://jamestown.org/wp-content/uploads/2018/07/Sukhankin-Wagner.pdf?x87069>
- Syrian for truth and justice (2020), Turkey's Recruitment of Syrian Mercenaries to Fight in Libya: Process and Legal Consequences. <https://stj-sy.org/wp-content/uploads/2020/05/Public-version-Turkey%E2%80%99s-Recruitment-of-Syrian-Mercenaries-to-Fight-in-Libya-Process-and-Legal-Consequences.pdf>
- The Carter Center (2014), Syria: Countrywide Conflict, Report No. 4. http://www.cartercenter.org/resources/pdfs/peace/conflict_resolution/syria-conflict/NationwideUpdate-Sept-18-2014.pdf
- The Carter Center (2015), Syria: Countrywide Conflict, Report No. 5. https://www.cartercenter.org/resources/pdfs/peace/conflict_resolution/syria-conflict/NationwideUpdate-Feb-28-2015.pdf
- -Ulmer, Beate (2013), Arabellion: Geopolitical Proxy Wars and New Constellations of East and West in Syria. Global Studies Working Papers. Institute of Geography. Tübingen University. <https://d-nb.info/1163282103/34#page=86>
- United Nations, S/RES/2249 (2015), Adopted by the Security Council at its 7565th meeting, on 20 November 2015, http://www.un.org/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/2249%282015%29&referrer=/english/&Lang=
- -Youra, Ryan Justin (2014), Power plays: Exploring power and intervention in proxy wars, Submitted to the University Honors Program of American University

in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Bachelor of Arts University Honors in International Studies.

- <https://dra.american.edu/islandora/object/auislandora%3A5018/datastream/PDF/view>
- Yazici, Hanefi. (2018), Proxy Wars in Syria and a New Balance Of Power in the Middle East. Journal of Management and Economics Research. Volume: 16. Issue: 3. <http://dx.doi.org/10.11611/yead.449260>
- Yüksel, Engin. (2020), Turkey's approach to proxy war in the Middle East and North Africa. Security defense quarterly. vol. 31. War Studies University, Poland. https://securityanddefence.pl/pdf-130916-60975?filename=Turkey_s%20approach%20to.pdf
- White, Jeffrey, Tabler, Andrew J. Zelin, Aaron Y. (2013), Syria's Military Opposition How Effective, United, or Extremist? . Policy focus 128. The Washington Institute For Near East Policy. https://www.washingtoninstitute.org/uploads/Documents/pubs/PF128_Syria_WEB.pdf
- Zanolli, Jim, Thomas, Clayton (2020), Turkey: Background and U.S. Relations. Congressional Research Service. <https://fas.org/sgp/crs/mideast/R41368.pdf>
- Проект №62015-6 (2012), О ГОСУДАРСТВЕННОМ РЕГУЛИРОВАНИИ СОЗДАНИЯ И ДЕЯТЕЛЬНОСТИ ЧАСТНЫХ ВОЕННЫХ КОМПАНИЙ, Издание Государственной Думы. <https://sozd.duma.gov.ru/bill/62015-6>
- Украинский Центр аналитики и безопасности (2020), Информационно-аналитический обзор о потерях внештатного подразделения ГУ ГШ ВС РФ (военная разведка) «ЧВК Вагнера» в Сирии в 2017 году. <https://informnapalm.org/wp-content/uploads/2020/10/%D0%9E%D0%B1%D0%B7%D0%BE%D1%80-%D0%A3%D0%A6%D0%90%D0%91.pdf>
- Фонтанка.Ру (2017), Немного бизнеса в сирийской войне. <https://www.fontanka.ru/2017/06/26/084/>

